قهستان و آسیای مرکزی

بایمت اف، لقمان

بایمت اف در نوشتار زیر ضمن اشاره به موقعیت و جایگاه قهستان در تاریخ ایران به مسائل میان قهستان و آسیای مرکزی و ایران می‏پردازد و بر مورد هجوم قرار گرفتن مستعمره ایرانیان و تاجیکان در منطقه خراسان تاریخی توسط «هیاطله» تاکید می‏کند .

ولایت جنوب شرق آسیای مرکزی در قرون ششم و هفتم میلادی از مهمترین مراکز سکونت اقوام هیاطله بوده است اما در مورد هیاطله قهستان، اطلاعات بسیار اندک در دست است .

در عهد سلجوقیان، شهرها و قلعه‏های قهستان یکی از اساسی‏ترین مراکز عقیدتی نهضت‏های اسماعیلی بود البته تاریخ نهضت اسماعیلیان خود از جدی‏ترین و پیچیده‏ترین موضوعات تاریخ قرون‏پنجم و ششم هجری است .

برخی از مسائل ارتباط قهستان و آسیای مرکزی

زبان، تاریخ و فرهنگ از مهمترین عواملی بوده‏اند که مردم ایران زمین و تاجیک‏های آسیای مرکزی را چنان به هم پیوند داده است که هیچ قدرت سیاسی و معنوی نمی‏تواند آن را از هم بگسلد و این گسستگی تاریخی را در جای جای این منطقه فارسی‏زبان شرق می‏توان به روشنی مشاهده کرد . و البته، گذشته قهستان صفحه‏ای از کتاب پیوندها و یگانگی‏هاست . جغرافیدانان و نویسندگان قرون وسطی، قهستان را جزیی از خراسان دانسته‏اند . باید گفت که گهگاه در طول تاریخ، این سرزمین به عنوان یک واحد جداگانه بوده است . ولی با این وجود، اتصال تاریخی میان قهستان و آسیای مرکزی وجود داشته است . موضع ارتباط قهستان و آسیای مرکزی، آن گونه که شایسته است مورد تحقیق قرار نگرفته است . راجع به تاریخ قبل از اسلام قهستان، اطلاعات زیادی در دست نیست ولی از قرن‏های ششم و هفتم (7 - 6م) درباره ارتباط این دو نقطه، اطلاعات مستقیم و غیرمستقیم فراوان است و می‏توان آن را در تمام دوره‏های تاریخی بعد از اسلام، مشاهده کرد . اولین نشانه‏های روشن این ارتباط را در پیوندی با تاریخ اقوام هیاطله، می‏توان مورد بررسی قرار دارد .

ولایت جنوب شرق آسیای مرکزی در قرون ششم و هفتم (7 - 6م) از مهمترین مراکز سکونت اقوام هیاطله بوده است و به تدریج از آن منطقه به سوی سیستان و خراسان و از جمله به قهستان مهاجرت کرده‏اند . برخی از دانشمندان معتقدند که پایه‏گذار شهر بیرجند اساسا سغدیان ماوراءالنهر هستند . این عقیده هر چند که نیاز به تحقیق مفصل و همه جانبه دارد ولی برای رد کردن آن اسناد تاریخی معتبر نداریم . می‏توان حدس زد که سغدیان همراه با هیاطله وارد سرزمین‏های قهستان شده باشند که بررسی این موضوع نیازمند تحقیقات بیشتری است .

درباره تاریخ دولت هیاطله آسیای مرکزی، تحقیقات دامنه‏داری صورت گرفته، اما در مورد اقوام هیاطله قهستان، اطلاعات بسیار اندک‏اند .

طبق منابع تاریخی، هیاطله دارای دولت و شهرهای خوبی بودند و به گفته برخی از مورخان گذشته، بعضی از آنان، مردمانی صحراگرد بودند، هیاطله دارای لشکری توانا بودند، از نظر دینی و مذهبی، بیشتر هیاطله، آتش‏پرست بودند که به احتمال زیاد آفتاب را هم می‏پرستیدند و در دوره‏های اخیر نیز قسمتی از هیاطله به دین بودایی پیوسته‏اند و برخی از محققان هم تصریح کرده‏اند که در بین آنها آیین نصرانی هم متداول بوده است . بعضی دیگر گفته‏اند که هیاطله از اقوام ترک بوده‏اند و گروهی هم معتقدند که هیاطله از نژاد ایرانی‏اند .

باباجان غفوراف، محقق برجسته شوروی راجع به پیچیدگی مسؤله هیاطله می‏نویسد: «دلایلی موثق در دست نیست که زبان هیاطله را ترکی یا مغولی بدانیم این زبان می‏بایست بدون شک از زبان‏های ایرانی - شرقی بوده باشد اما فقط از به دست آمدن آثار و همچنین تحقیقات عمیق و مفصل زبان‏شناسان است که این امکان فراهم می‏گردد تا بسیاری از زوایای مبهم و تاریک این مساله که اکنون روشن نیست حل و فصل گردد .»

طبق نظر بسیاری از محققان، جایگاه اصلی هیاطله، گاهی در آلتای و گاهی، ترکستان شرقی بوده است . و در نتیجه فشار اقوام ترکی، که از سوی شمال شرقی به آسیای میانه وارد شدند، هیاطله به قسمت‏های جنوبی افغانستان و همچنین شمال شرقی ایران مهاجرت کردند .

باید گفت که ارتباط از سوی قهستان با آسیای مرکزی نیز خیلی موثر بوده است . چنانکه وقوع نهضت‏های سیاسی - مذهبی، از قبیل: خوارج، قرامطه و ... در شهرهای آسیای مرکزی نیز تاثیر به سزایی گذارده است . که محل تامل سخن بیشتری است .

دوران حکمرانی خلافت عرب و والیان آنها در خراسان نیز از مهمترین مراحل تاریخی ارتباط قهستان با آسیای مرکزی است، که تغییرات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زیادی در سرزمین‏های خراسان و ماوراءالنهر در قرون سوم و چهارم (4 - 3ه/10 - 9م) به وجود آورده، بخصوص به طور مستقیم در تاریخ قهستان تاثیر گذاشته است . تشکیل نخستین دولت‏های ملی ایرانی از قبیل صفاریان، طاهریان و سامانیان و همچنین شکل‏گیری زبان و ادبیات فارسی - دری و پدیده‏های فرهنگی قرون سوم و چهارم نیز از جمله عوامل ارتباط قهستان با آسیای مرکزی بوده است .

هر چند که راجع به تاریخ قرامطه، تالیف‏های زیادی در دست است، اما مسایل تاریخی بین قرمطیان آسیای مرکزی و قهستان، بیشتر از جنبه تاریخ نگاری، مغفول مانده است . آنچه که در اینجا گفته شد، البته مشاهدات کلی این مساله است .

ارتباط تاریخی - سیاسی و اقتصادی، حتی پس از زوال دولت‏ها و سلسله‏های ملی ایرانی، یعنی در دوران ورود

ترکان به ایران، نیز ادامه داشته است . در عصر غزنویان، خوارزمشاهیان و سلجوقیان، اقوام ترکی که از آسیای مرکزی به ایران وارد شده بودند در منابع تاریخی به‏عنوان ساکنان با نفوذ قهستان یاد شده است . متأسفانه هنوز تاریخ تحقیقات به دردخوری درمورد گسترش ترکان در قهستان صورت نگرفته است .

آسیای مرکزی در قرن چهارم ه/نیمه اول قرن 10 م شاهد قدرت‏گیری قرامطه گردید . چنانکه محققان می‏نویسند:

قرامطه به‏عنوان یک حرکت اسلامی از قرن 3ه/9م و د زمینه جریان ضدفئودالی کشاورزان و اقوام بادیه‏نشین در ولایت‏های مرکزی خلافت عرب به‏وجود آمد و سپس به مرور زمان در سایر ممالک اسلامی نیز گسترش یافت . قرمطیان با اسماعیلیان قرابت داشته و اشتراکات زیادی نیز با شیعیان داشتند .

تبلیغات عقاید قرامطه در آسیای مرکزی نیز فراگیر شده بود . نخستین شورش‏های قرمطیان در اواخر دوران حکومت اسماعیل سامانی و در ولایت‏های هرات، غور و غربستان روی داد . طبق اطلاعات تاریخی حدود هزار نفر که عمدتا از دامداران و کشاورزان بودند، در این شورش به رهبری ابو بلال خارجی شرکت داشتند، که در سال 709م . توسط لشکر سامانیان محاصره شدند و جملگی به قتل رسیدند .

نهضت قرامطه دوباره شکل گرفت، والی خراسان حسین‏بن‏علی مروزی (یا مرو رودی) که با نصر دوم مخالفت داشت در آغاز رهبری این جنبش را به‏عهده گرفت . کم‏کم، تبلیغات قرامطه در ناحیه خراسان نیز گسترش یافت . او علیه حاکم مرکزی دست به شورش زد، اما جنبش سرکوب شد و خود در سال‏703 ه/919 م اسیر شد . چنانکه می‏بینیم، در ابتدا خراسان مرکز نهضت قرامطه بود و به‏تدریج به ماوراءالنهر سرایت کرد و رهبری حرکت قرمطیان به محمدابن احمد تحشبی واگذار گردید .

نهضت قرامطه، بویژه در آخرین سال‏های حکمرانی نصر دوم که وی تحت تأثیر تعالیم آن قرار گرفته بود، به اوج خود رسید و در زمان خیلی کوتاه، عقاید قرامطه کل شهرهای ماوراءالنهر را فرا گرفت . دولت سامانیان با دولت فاطمینان مصر، روابط دوستانه برقرار کردند . اما از سوی دیگر، مخالفان قرامطه، مبارزه خود را علیه حکومت، پر زور کرده و سرانجام رهبر قرامطه محمد بخشی را به قتل رسانیدند . تعقیب طرفداران قرامطه در عهد امیر نوح آغاز شد .

بعد از این، عقاید قرامطه در ماوراءالنهر فقط به‏صورت مخفی و پنهان وجود داشت . در بخارا، سمرقند و جمعیت مخفی طرفداران این نهضت، فعالیت می‏کردند اما این جریان نیز به‏تدریج رو به زوال رفت و سپس جای آن را تعلیمات اسماعیلیه (حشاشین) گرفت .

همانگونه که می‏دانیم در عهد سلجوقیان شهرها و قلعه‏های قهستان یکی از اساسی‏ترین مراکز ایدئولوژی و نهضتهای قهستان بوده است . البته ناگفته نماند که تاریخ نهضت اسماعیلیان، خود از جدی‏ترین و پیچیده‏ترین موضوعات تاریخ قرون پنجم و ششم هجری (6 - 5ه/12 - 11م) است .

به‏طور رمزی از زبان تاریخ می‏توان گفت که پدیده اسماعیلیه، شناسنامه اساسی تاریخ ارتباط میان قهستان و مردمان آسیای مرکزی است . امروز دانشمندان و محققان تاجیکستان و ایران برای توسعه همکاری‏های دوجانبه از زمینه‏های خوبی برخوردارند . تا در رابطه با مسایل ارتباط آسیای مرکزی و قهستان سخن به میان آورند، بخصوص از شخصیت ناصرخسرو باید یاد کرد . (که زادگاه او قبادیان تاجیکستان و آرامگاه او یمکان، واقع در ایالت بدخشان است) این شاعر احساسات خود را درباره قهستان و مردمان این سرزمین به‏خوبی بیان داشته است . او از بزرگترین خردمندانی است که در رأس تعلیمات اسماعیلیه قرار گرفته است .

بدون تحلیل آثار فلسفی و دینی ناصرخسرو، درباره اسماعیلیه به‏جد نمی‏توان سخن گفت، زیرا آثار این متفکر قرن چهارم هجری (4 هجری/11میلادی) هم برای تاجیک‏های آسیای مرکزی و هم برای ایرانیان از اهمیت فوق‏العاده‏ای برخوردار است .

Source:

1-herzfeld Ekhorasan Denmarsgeograghische stadien zur kulturgeschichte islam in iran.//Islam1921,LX ,S107-174

2-le strange. the lands of the easten caliphate cambridge, 1905 pp351-363.

3-Yate. khurasan and sakistan Edinburgh and Loudox. 1900.

4-ivanov W.NOTES ON THE ETHNOLOGY OF khurasan .//Georgr. Jurnal.,LXVII,1926,PP 143-157

5-Ivanov W.on the language of the gypsies of Qainat(ineeastern persia) //JASBN.S.X.1914,PP439-455.

7.Gafurav B.G.Tadziki.drevneyshaya drevnyaya istrednevekovaya istoriya moshva 1972.

8. Negmatov N.N.GgOSUDARSTVO SAMANIDOV. mAVERANNAK i khorasnan VIX-XW.DUSHANBE ,1997

9.AGADANOV sG.GOSUDARSTVE SELIDZUKIDOV ISREDNYAYA azia VXI-XIIW moskva 1991